

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین - ۵ دسمبر ۲۰۱۰

مقاله ای که ذیلاً تقدیم میگردد، بتاريخ ۱۷ اکتوبر ۲۰۰۷ تحریر یافته و بلافاصله در پورتال "افغان جرمن آنلاین" منتشر گشته بود. اینک بر حسب وعده به انتقالش در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" میپردازم، البته بعد از اصلاح سر و ریشش :

## دوزبانگی پشتوزبانان افغانستان

و

### سطری چند در مورد "سلام ملی"

از مدتیست که در تلویزیون های "آریانا"ی کابل، "آریانا"ی کلیفورنیا و "پیام افغان" گوش به اناونسرها میدهم و در عجب می افتم، که چطور هموطنان پشتون ما قدرت تکلم را به هردو زبان عزیز، ارجمند، رسمی و ملی کشور ما دارند. ایشان به همان اندازه که بر زبان "پشتو" حاکم اند، به عین سویه و نه کمتر از آن، بر زبان "دری" نیز تسلط دارند. تسلط این عزیزان بر هردو زبان ارجمند ملک ما در حدیست، که بدون کوچکترین تأمل میتوانیم بگوئیم که ایشان دو "زبان مادری" دارند و به اصطلاح "دو زبانه" اند. مگر آیا عکس قضیه هم صدق میکند؟؟؟

من تاکنون شاهد عکس قضیه نیستم و به دری زبانانی برنخورده ام، که بر زبان پشتو به مانند زبان مادری خود حاکم باشند. و گمان نکنم که کسی دگر نیز تعداد معتناهی از چنین هموطنان دری زبان را سراغ داشته باشد. وقتی که سخن از این قرار است، باید بسراغ علل و عوامل مسأله برویم و ببینیم که این پدیده مولود چیست؟؟؟ این پدیده حتماً معلول علل و عوامل فراوان میباشد که من به تعدادی از آنها اشارت میکنم :

بدون شک که عامل عمده این امر "پرورده شدن" پشتونان در محیط "دری زبان" و بدرجه اول در پایتخت افغانستان - کابل نازنین - است که از همه شهرهای دگر زمینه توطن و آسایش بهتر در آن میسر است. (رجوع هموطنان ولایات به پایتخت و توطن ایشان درین حضرت بزرگوار نیز از همین خاطر قابل فهم است). در مکاتب و مؤسسات عالی تعلیمی مثل پوهنتونهای ملکی و عسکری و پولی تخنیک و دارالمعلمین ها و ... کابل تعلیم و تدریس همه و بلا استثناء بزبان دری صورت میگردد. دفتر و دیوان و معاملات در ادارات و مؤسسات اقتصادی و فنی و تولیدی و داد و ستد در بازار و غیره نیز همه به زبان "دری" است. "غیردری زبانان"ی که

در چنین شرایط پرورش می یابند، خواهی نخواهی زبان دری را عیناً به مانند زبان مادری خود یاد میگیرند. در پهلوی این فکتور که شرط لازم برای چنین امری شمرده میشود، فکتورهای دیگر نیز رول بازی میکنند؛ از جمله این که :

پشتوزبانان ما از "تبعیض زبانی" میرا استند و حتی میتوان گفت که چنین تبعیض را نمی شناسند. و وقتی کسی "تبعیض زبانی" نداشته باشد، از "تبعیض قومی" نیز بری و میرا می ماند. این نکته دقیقاً مخالف تیز و فرض بعض "پشتو ستیزان" و "پشتون ستیزان" است ، وقتی میگویند که گویا «پشتونان از زبان دری نفرت دارند.» خوب بنگرید و دقیق گردید که این جمله چقدر نامنصفانه و ناواقع بینانه است. واقعیت درست معکوس این تیز و ادعای "غرض آلود" را نشان میدهد!!!!!!!

- یکی از دلایلی که بر این "تیز خصمانه" و در واقع "تفرقه افکنانه" خط بطلان میکشد اینست، که پشتونان وطن ما بدون تأمل و بدون اینکه ذره ای تردد و وسوسه و تشویش بخود راه دهند، بی دریغ کلمات و حتی عبارات دری را در زبان و قلم خود بکار می بندند. از همین سبب است که تعداد کلمات دخیل دری در زبان پشتو را بیست برابر - آری بیست برابر - کلمات پشتوی دخیل در دری ملک ما شمرده اند.

- دلیل بسیار موجه دیگر در "بی تعصبی" پشتونهای ما درین عرصه این نکته اظهر من الشمس است، که نویسندگان و دانشمندان و شاعران پشتون ما آثار گرانمایه بسیاری به زبان دری نوشته و از خود به یادگار مانده اند. بروید سراغ زمامداران افغانستان - از اعلیحضرت احمد شاه بابای کبیر گرفته تا پسرش تیمور شاه و نواسه اش شاه شجاع و تا سردار مهردل خان مشرقی - برادر امیر دوست محمد خان. بروید و "شرح ببین" مهردل مشرقی را از نظر بگذرانید و به چشم سر ببینید که این شاعر عارف در شرح دو بیت - بلی فقط شرح دو بیت - خداوندگار بلخ، حضرت مولانای بزرگ، چه شهکار منظومی را خلق کرده است. بروید و اثر تاریخی امیر عبدالرحمان خان را بخوانید، که نیز به زبان دری نوشته شده است.

و از نویسندگان غیرخاندانها و سلاله های شاهی اگر مثال بیاوریم، گپ به درازا میکشد. آری نویسندگان و شاعران پشتون علی الاکثر در زبان دری آثار ماندگار نوشته اند. نویسنده و سیاستمدار عالی مقام مرحوم استاد عبدالرحمان پژواک را در نظر بگیرید، که در نظم و نثر دری چه شهور گفته و نوشته است. بروید آثار مرحوم استاد مجروح را بخوانید؛ بروید آثار مرحوم استاد گل پاچا الفت را بنگرید. بروید اشعار استاد علامه رشاد را بخوانید. بروید .... و سرانجام به آثار بی نظیر استاد علامه پوهاند عبدالحی حبیبی - که مانده اش در تمام قلمرو زبان دری و فارسی دانشمندی متبحر سراغ نداریم - نظر افکنید. آثار ذیمقدار مرحوم وکیلی فوفلزائی را بنگرید و آثار و خصوصاً اثر منحصر بفرد استاد عبد الله افغانی نویس را که در هیئت "لغات عامیانه فارسی افغانستان" تجسم یافته است، بخوانید، تا دریابید که این پشتونان عزیز کشور ما چقدر به زبان دری علاقه مند بوده اند. خدمتی را که ایشان به "زبان دری" کرده اند، از نظر هیچ دانشمند و افغان منصف، صادق و حقنگری پوشیده نمی تواند ماند!!!!!!!

درین اواخر مقاله ارزشمند و مستدلی از قلم جناب انجنیر زکریا زیر عنوان "راجع به گنج الاکاذیب بشیر بغلانی" در چهار قسمت در پورتال "افغان جرمن آنلاین" از نظرم گذشت. ایشان که به زبانبازیهای غرض آلود و "پشتو ستیزانه" آقای بشیر بغلانی پاسخهای مدلل و دندانشکن میدهند، در بخش چارم این سلسله چنین مینگارند :

« اولتر از همه باید بگویم که خصومت در برابر زبان بدون در نظر داشت اینکه کدام زبان است، کار احمقانه است. بعداً اینکه، کی در برابر زبان فارسی دری و کی در برابر زبان پشتو برخورد خصمانه کرده است؟ اگر منظور تان پشتونها هستند که در مقابل فارسی خصومت دارند، پس کاملاً این پندار تان نادرست و دروغ است. بخاطر اینکه پشتونها هیچ گاه به هیچ یکی از زبانهای کشور بخصوص زبان فارسی دری برخورد خصمانه نداشته اند. اگر پشتونها در مناطق ازبیک نشین زندگی کرده، ازبیکی را اموخته اند، اگر در مناطق نورستان زندگی کرده اند، نورستانی را اموخته اند. از جانب دگر اگر در بین ۱۰ نفر پشتو زبان یک نفر دری زبان هم باشد، همه آنها به احترام دری زبان و به غرض فهمیدن او، همه به زبان فارسی دری صحبت مینمایند. »

آنچه انجنیر صاحب زکریا مطرح کرده است، حالت خاص و استثنائی را بیان نمیکند، بلکه از حالتی حکایت میکند، که حکم قاعده و رسم و عادت پشتونان را بخود گرفته است. از همین خاطر این فکت را بحیث یکی دیگر از عواملی می‌شمارم، که باعث گردیده است تا پشتوزبانان وطن ما به زبان دری چنگ بزنند، و این در واقع سعی بلیغ ایشان را در یادگرفتن زبان گرانقدر دری نشان میدهد.

قسمی که در بالا آمد، در داخل وطن محبوب ما افغانستان الله الحمد وضع طور بیست که فرزندان پشتون ساکن شهرهای "غالباً دری زبان"، "دو زبانه" بار می آیند. و حتماً دری زبانی که در مناطق "غالباً پشتون نشین" افغانستان پرورده میشوند، به عین شکل دو زبانه پرورده گردیده اند، مگر به تحقیق که تعداد آنها بسیار بزرگ نیست. اگر امکانات اسکان و بود و باش اقوام مختلف در مناطق پشتون نشین مهیا گردد، بدون شک که این تفاوت فاحش و این "دیوار حائل" خواهد شکست و نسلهای بعدی ان شاء الله "دوزبانه" و "چندزبانه" بار خواهند آمد و این قدمی بسیار مثبت و عملی خواهد بود در زمینه تثبیت و تعمیق اتحاد و همبستگی قومی و بالوسیله تأمین عملی "وحدت ملی" ما. البته نکات بسیار دیگر هم باید مد نظر گرفته شود تا مأمولی بدین عظمت و بزرگی عملی گردد، اما از نگاه من، همین نکته نقش خلاق، عمده و حتی زیربنائی را بازی میکند. وقتی هموطنان زبان یکدیگر را بدانند و افهام و تفهیم درست و بی خلل و خدشه بین شان صورت بگیرد، گویا به یک زبان سخن میگویند و این شرط اساسی تفاهم و پیوند است!!!!

معلوماتار میل مردم برای سکونت در شهر و منطقه ای، مربوط به سطح رشد و کیفیت پیشرفت مدنی و زمینه کاریابی در همان منطقه میباشد. اگر حکومت یک صد سال اخیر کشور نه تنها به کابل ارجمند، بلکه به تمام مناطق کشور توجه عادلانه و مساویانه میکردند و شمال و جنوب و شرق و غرب و مناطق مرکزی کشور از رشد متوازن و متعادل برخوردار می بودند، مردم خود بخود در نقاط مختلف مملکت سکنانگزین میکردند. پشتونها و اوزبیکها و تاجیکها و ... بصورت گسترده در مناطق مرکزی وطن سکونت اختیار میکردند، هزاره ها و اوزبیکها و تاجیکها و ... به پیمانه وسیع در مناطق پشتون نشین رحل اقامت می افگندند و سکنان میگزیندند و قس علی هذا. که اگر چنین میشد، قدمی بسیار مثبت و عملی در راه تأمین "وحدت ملی" برداشته میشد و ما یک گام بسیار بزرگ را در راه "ملت شدن" - به اصطلاح امروزی آن - برداشته میبودیم.

یک نکته را درین ارتباط نمیخواهم ناگفته بگذارم :

توجه بیش از حد پشتونان بزبان دری، متأسفانه قسماً به قیمت "از نظر انداختن" و حتی "بی توجه و بی علاقه ماندن" ایشان به زبان "پشتو" انجامیده است و این زیان و صدمه ایست، جبران نپذیر و نه زخمیست التیام پذیر!!!!!!

## اما نکته دوم این بحث :

بعض هموطنان ما - و خصوصاً کسانی که نه به زبان "پشتو" مهر میورزند و نه از "پشتون" و "افغان" خوششان می آید، و از همین رو خود را "افغانستانی" میخوانند - پیوسته و اوپلا سر داده و فریاد میکشند که چرا "سرود ملی" افغانستان را به زبان "پشتو" برگزیده و قانوناً رسمیت بخشیده اند. مختصراً به توجه این هموطنان ارجمند خود میرسانم که :

- وقتی پشتونان ما علی الاکثر - و حتی میتوان گفت "بالعموم" - به زبان دری افهام و تفهیم کرده میتوانند و زبان دری را کاملاً از خود میدانند
- در صورتی که دفتر و دیوان و کارهای اداری و معاملاتی و تجارتي و بانکی و ... و سرانجام تعلیم و تدریس در مکاتب و پوهنتون ها و مؤسسات تحصیلات عالی افغانستان بیشتر از هشتاد درصد به زبان دریست
- با مد نظر گرفتن نکاتی که در قسمت اول این مقال برشمرده شد
- با در نظر داشتن نکات فراوان دیگری که برشمردن همه موجب ملال می گردد
- و سرانجام با مد نظر گرفتن این نکته که زبانهای "دری" و "پشتو" در قانونهای اساسی افغانستان کاملاً همتراز و همسنگ و هموزن یکدیگر قرار داده شده اند

## چه باک دارد که سلام ملی وطن به زبان عزیز پشتو باشد،

### و چرا هم نباشد؟؟؟؟؟؟

با مد نظر گرفتن مراتب بالا و مراتب فراوان دیگر، وقتی تنگ نظری یک دسته و حلقه خاص "زبان ستیز" در مورد "سرود ملی" و چند لغت و اصطلاح معدود دیوانی و عسکری و القاب علمی افغانستان که به زبان پشتو می باشند، نگریسته می شود، دل آدم بر بیچارگی این اقلیت "ستیزه جوی. مظلوم" که در آتش عدم تسامح و بی انصافی درگرفته اند، میسوزد. بلی؛ دل آدم میسوزد و دعاء میکند که خداوند بزرگ و قادر علی الاطلاق بر این "دل سوختگان" رحم فرماید و ایشان را از شعله ها و لمبه های آتش حقد و حسد و تعصب و عناد و خشم و غیظ و غضب و عقده مندی و ... برهاند !!!!!!!!!!!!!

## و در مورد نفس "سلام ملی" :

به خوبی و بدی و جاهت و عدم جاهت "سلام ملی" موجود وطن تماش نمیگرم، چون از نگاه من و نیز طوری که در میدان عمل ثابت گردیده، بهترین "سرود ملی" برای افغانستان همانا آهنگ مشهور و هر دل عزیز "دا زمونبر زیبا وطن" است - که در واقع حکم "سرود و سلام ملی غیر رسمی" ما را گرفته است. این "آهنگ ملی" و "وطن شمول" که از حنجره سحر نواخوان کم نظیر و آزادیخواه ما، استاد مرحوم "اول میر" به یادگار مانده و ماننده اش تاکنون سراغ نگردیده است، عملاً حکم "سرود و سلام ملی" ما را دارد!!!!

من درین باره در مقاله "دا زمونبر زیبا وطن - سرود دلها" بیشتر سخن گفته ام. خواننده ارجمند و خواهنده را به مطالعه آن نوشته در آرشیفهای پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" دعوت میکنم.